

بررسی حقوقی و اخلاقی چالش‌های ناشی از آزادی سینما

^۱ رحیم آل شیخ

^۲ بیژن عباسی

^۳ علی اکبر گرجی

چکیده

آزادی سینما مفهومی است که از آزادی بیان برمی‌آید و در واقع سینما به عنوان هنر هفتم، با شیوه‌ی سمعی بصری خاص خود در پی تحقق این مهم است. آزادی سینما و چالش‌های حقوقی و اخلاقی آن همواره یکی از چالش‌های دولت‌ها بوده است و به همین علت دولت‌ها برای انجام این مهم‌ترین وظیفه خود، دست به اقداماتی مانند مقررگذاری فرهنگی و نظارت‌های پیشینی و پسینی بر سینما زده‌اند. از این رو مقاله حاضر که در صدد بررسی چالش‌های حقوقی و اخلاقی ناشی از آزادی سینما است، پس از بسط فضای مفهومی موضوع تحقیق، نظم عمومی و آزادی سینما را مورد بررسی قرار خواهد داد. مطابق با مستندات موضوعی ارائه شده در این مقاله، روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات در این مقاله، کتابخانه‌ای می‌باشد که از نوع مطالعات اسنادی داده‌های تحقیق گردآوری شده و با استفاده از روش تحلیل متون حقوقی مورد تحلیل و توصیف قرار گرفته است. یافته‌های این مطالعه، حاکی از آن است که: آزادی سینما سبب بروز چالش‌های حقوقی و اخلاقی فراوانی می‌گردد که دولت‌ها می‌توانند با مقررات‌گذاری و نظارت‌های خاص خود تا حدودی چالش‌های حقوقی-اخلاقی آزادی سینما را کاهش دهند.

واژگان کلیدی

سینما، آزادی سینما، نظم عمومی، اخلاق حسنه.

۱. پژوهشگر دوره دکتری تخصصی حقوق عمومی، گروه حقوق، پردیس بین‌المللی کیش، دانشگاه تهران.

Email: ale.sheikh@yahoo.de

۲. دانشیار گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.

Email: bijan_abbasy@yahoo.com

۳. دانشیار گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی.

Email: gotiji110@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۷/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۱۳

طرح مسأله

صنعت - هنر سینما یا به گفته‌ی ریچیوتو کانودو^۱ « هنر هفتم » یکی از تاثیرگذارترین پدیده‌ها در دنیای معاصر است. زیرا که سینما ابزار خوبی برای تبلیغ و ارائه‌ی اندیشه‌ها، دیدگاه‌های سیاسی، اجتماعی و حتی اقتصادی است و می‌تواند از این رهگذر تاثیر عمیقی بر مخاطبان خود بگذارد. سینما به خاطر شمار انبوه مخاطبان و همچنین ویژگی هنری‌اش، تاثیر مستقیمی بر فرهنگ و مسائل فرهنگی دارد که در اغلب کشورهای دنیا یک امر با ماهیت حاکمیتی است. از این روی نقش دولت‌ها در سیاست‌گذاری فرهنگی و نظارت بر اجرای صحیح و دقیق آن یکی از ابعاد اصلی تاثیر حقوق بر سینماست. تاثیری که گاه در جهت حمایت از شهروندان به خاطر حق بر حفظ کرامت انسانی یا حق مالکیتشان صورت می‌گیرد و گاه ممکن است منجر به سلب آزادی بیان‌شان گردد و سایر حقوق آن‌ها را تهدید نماید. لذا هدف این مقاله این است که با نگاهی بی طرفانه و رویکردی حقوقی، ضمن بررسی چالش‌های حقوقی و اخلاقی آزادی سینما به نتایجی مهمی در این زمینه دست یابد از این رو آنچه بر اهمیت و ضرورت این مقاله می‌آفزاید این است که بررسی چالش‌های حقوقی و اخلاقی ناشی از آزادی سینما از آن جهت دارای اهمیت است که تاکنون هیچ پژوهش جامعی در باب بررسی چالش‌های حقوقی و اخلاقی حاکم بر آزادی در سینمای صورت نگرفته است. متناسب با هدف و اهمیت این مقاله می‌توان سوال خود را این گونه مطرح کرد که: چه چالش‌هایی در دو عرصه حقوقی و اخلاقی در ارتباط با آزادی سینما می‌توان متصور شد؟

پیشینه پژوهش

در باب حقوق و سینما در کشور ما پژوهش‌های اندکی صورت گرفته است که به شرح آن می‌پردازیم: اشتفان ماخورا در کتابی با عنوان: « کتاب حقوق و سینما » به بررسی رابطه بین حقوق و سینما پرداخته است اما با این حال خارج از موضوع پژوهش ماست زیرا که به تاثیر سینما و سریال‌های تلویزیونی بر حقوق و آموزش حقوق می‌پردازد. مجتبی بیاتی در پایان‌نامه‌ای تحت عنوان: « نظام حقوقی حاکم بر تولید فیلم و سینما در جمهوری اسلامی ایران » به مساله آزادی‌های عمومی و سینما پرداخته است و کمتر به مساله‌ی نظارت دولت و سازوکارهای نظارتی آن پرداخته است. پژمان خالقیان در پایان‌نامه‌ای تحت عنوان: « صنعت سینما از منظر حقوق کیفری » به بررسی جنبه کیفری و نظام جزائی در سینما می‌پردازد. مجتبی اترکی (۱۳۹۳) پایان‌نامه‌ای با عنوان: « نظارت دولت بر نهادهای سینمایی در حقوق ایران » بر بررسی حقوقی تشکیل و انحلال برخی نهاد‌های سینمایی در ایران تمرکز دارد.

تحلیل پیشینه‌های تحقیق و نوآوری مقاله

با بررسی پیشینه تحقیق می‌توان بیان داشت که؛ هیچ کدام از این پیشینه‌ها به بررسی موضوع اصلی یعنی بررسی چالش‌های حقوقی و اخلاقی ناشی از آزادی سینما نپرداخته‌اند و با این وجود ضعف عمده و مشترک تمامی تحقیقات و تولیدات صورت گرفته، نگاه سوگیرانه و جهت دار و نیز توجه به پیامدها در سطح متن سینما و تاثیر و ارتباط آن با نظم عمومی می‌باشد لذا منابعی که مورد بررسی قرار گرفت هیچ کدام به صورت مستقیم و همزمان به بررسی و تبیین موضوع این پژوهش نپرداخته و تنها به صورت کلی و غیر مستقیم اشاره‌ای به این موضوع داشته‌اند. اما پژوهش مذکور تلاش دارد تا این موضوع را به صورت علمی و آکادمیک مورد مطالعه قرار دهد از این رو پژوهش ما در نوع خود اولین پژوهش منسجم و حقوقی در باب بررسی چالش‌های حقوقی و اخلاقی ناشی از آزادی سینما با رویکرد تطبیقی در ایران می‌باشد.

ابعاد آزادی سینما

سینما شاخه‌ای از هنر است که در آن یک داستان به وسیله دنباله‌ای از تصاویر متحرک که بر روی نوار سلولوئید ثبت می‌شوند، نمایش داده می‌شود. (برسون، ۱۳۹۵: ۱۳) مسائلی که از این تعریف می‌توان به آنها پی‌برد آن است که اولاً افرادی در این صنعت-هنر مشغول به کار هستند و از راه آن ارتزاق می‌کنند، پس می‌توان از بعد آزادی کسب و کار آن را مورد بررسی قرار داد و ثانیاً این صنعت-هنر در پی آن است تا با شیوه‌ی نمایش گونه‌ی خود به بیان مطالبی در قالب صدا و تصویر بپردازد، پس می‌توان آزادی سینما را از بعد آزادی نمایش و بیان نیز مورد بررسی قرار داد که این بعد از آزادی سینما پراهمیت‌ترین آن بوده و به آن بیشتر خواهیم پرداخت.

آزادی کسب و کار

آزادی صنعتی و بازرگانی، حق انتخاب شغل یا آزادی کسب و کار به معنای آزادی هر شخص حقیقی یا حقوقی به انجام هر فعالیت اقتصادی، کار، شغل دلخواه خود اعم از پیشه، هنر، صنعت و بازرگانی بدون وجود محدودیت می‌باشد و این که در این زمینه دولت و اشخاص دیگر نتوانند مانع او گردند. بر اساس اندیشه لیبرال سنتی دولت نباید در امور اقتصادی مداخله نماید مگر به منظور حفظ نظم و وضع مقررات انتظامی. با این وجود امروزه پذیرفته شده است که دولت می‌تواند یک نظم اقتصادی را تعریف و مقرراتی را برای پیروی شرکت‌های خصوصی از این نظم وضع نماید. بر عکس اقتصاد مداخله گرانه، مانند اقتصاد کمونیستی که آزادی کسب و کار را مخدوش نموده و ارزش آن را کاهش داده است. (عباسی، ۱۳۹۳: ۲۷۷)

آزادی نمایش و بیان

آزادی‌های فکری، شامل آن دسته از آزادی‌هایی است که به اطلاعات، اندیشه، وجدان، عقیده و بیان آن‌ها از راه‌های گوناگون مانند گفتار و سخنرانی، مطبوعات، رادیو و تلویزیون،

آموزش و نمایش توسط شهروندان مربوط می‌گردد. (عباسی، ۱۳۹۰: ۱۴۱) آزادی نمایش که گونه‌ای از آزادی‌های فکری است نقش مهمی در بیان و نشر عقاید، افکار و فرهنگ دارد. آزادی نمایش به آزادی در حوزه تئاتر، سینما، خیمه‌شب‌بازی، سیرک و کنسرت‌های موسیقی مربوط می‌گردد. نظام حقوقی نمایش برحسب نوع آن، متفاوت و هدف عمده و ابتدایی آن تفریح و سرگرم کردن تماشاچیان است. آزادی نمایش در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی زیر عنوان آزادی بیان و اشاعه افکار به‌صورت هنری پذیرفته شده است. برای تحقق و عینیت بخشیدن به این حق، دولت و دیگر نهادهای عمومی باید به کمک مالی افراد و نهادهای فعال در این عرصه بپردازند. (عباسی، ۱۳۹۰: ۱۷۴)

گرچه سینما یکی از انواع شیوه‌های پدیدآوردگی هنر است اما نظام حقوقی که بر آن حاکم است ظاهراً از ارکان و علایم مشخصه نظام آزاد ارتباط جمعی فاصله دارد. اگرچه عمده فعالیت در این زمینه، مربوط به بخش خصوصی است، اما بخش خصوصی در این زمینه از آزادی کامل برخوردار نیست و فعالیت‌های سینمایی در همه مراحل، از تولید گرفته تا نمایش، مشمول اشکال مختلف پروانه‌ها و نظارت‌های اداری است. به‌طور گسترده، نظام کمکی و بلکه سازماندهی دولتی بر سینما حاکم است. (دوریو، ۱۳۹۳: ۱۸۰) آزادی نمایش همانند دیگر آزادی‌ها نمی‌تواند مطلق و بی‌قید و شرط باشد. محدودیت‌های این آزادی از یک‌سو، شامل احترام به قوانین کیفری و از سوی دیگر، الزامات و محدودیت‌های مربوط به نظم عمومی می‌باشد. نمایش‌ها به سبب این‌که موجب تجمع افراد زیادی در سالن‌های عمومی (تئاتر و سینما) می‌گردد مقرراتی درباره تضمین امنیت آن‌ها در نظر گرفته می‌شود که عبارتند از: ایمنی و بهداشت سالن‌ها، تامین نظم و امنیت در میان تماشاچیان، مساله صلاحیت فنی و اخلاقی مدیران و گردانندگان نمایش‌ها، چگونگی نظارت بر نمایش‌ها و فیلم‌نامه‌ها از لحاظ اخلاقی و امنیت ملی و... (دوریو، ۱۳۹۳: ۱۷۶)

آزادی بیان

ضرورت حمایت از آزادی بیان به طور معمول جایی احساس می‌شود که شخص می‌خواهد در برابر اندیشه رایج و متکی به قدرتهای اجتماعی و دولتی سخن بگوید و از وضع موجود انتقاد کند. آزادی بیان یکی از بنیادی‌ترین حقوق انسانی است. این آزادی از یک‌سو به دلیل کمک بر کشف حقیقت‌های انسانی، به توسعه و تحول جوامع انسانی کمک می‌کند و از سوی دیگر خودشکوفایی فردی را تقویت و حتی تضمین می‌کند. آزادی بیان، جلوه‌ای است از بکارگیری حق تعیین سرنوشت، از همین‌رو در چهارچوب نظری غایت‌انگاری انسان قابل توجیه به‌نظر می‌رسد. امروزه آثار هنری از قبیل نقاشی، کاریکاتور، فیلم و موسیقی از جلوه‌های بارز بیان است. (قاری ۱۳۸۹: ۱۱۹)

اهل نظر، اندیشه‌های عمیق و قابل تاملی در قالب‌های هنری به مخاطبان خود منتقل

می‌کند. بنابراین نباید در شمول مفهوم آزادی بیان نسبت به فرآورده‌های هنری تردید کرد. به نظر می‌رسد امکان تولید فرآورده‌های هنری برای بسیاری از افراد، از امکان تولید فرآورده‌های فکری، قلمی و کلامی چه بسا بیشتر فراهم‌تر باشد. نظام دموکراتیک، اقتضا و ضرورت وجود آزادی بیان را دارد. سانسور و منع از اندیشیدن، با سانسور کلامی شروع می‌شود. سخن این نیست که با سانسور بیان، راه انتقال اندیشه‌ها گرفته شود، سخن این است که با سانسور بیانی، امکان اندیشیدن فراتر از قالب‌های زبانی موجود گرفته می‌شود. آدمیان نه اینکه در صندوقچه ذهن خود مفاهیم و اندیشه‌هایی برای انتقال دارند اما جرات انتقال آن را ندارند که بالاتر، اساساً نمی‌توانند در فضای امتناع تعامل اجتماعی-زبانی، به معانی، مفاهیم و اندیشه‌های تازه دست یابند. سلب آزادی بیان و جلوگیری از بیان، توافق بین الاذهانی بر قواعد بازی زبانی را غیرممکن می‌سازد. (قاری ۱۳۸۹: ۱۲۴) بعد از بررسی دو مفهوم آزادی بیان و نمایش اکنون به بررسی چالش‌های حقوقی و اخلاقی آزادی سینما در دو بعد کلی و در ایران و آمریکا خواهیم پرداخت.

نمایش گذاشتن اطلاعات امنیتی، سری و محرمانه به عنوان چالش اخلاقی و حقوقی

ساده‌ترین روش به خطر افتادن امنیت عمومی توسط سینما به نمایش گذاشتن اطلاعات سری و محرمانه در آثار سینمایی است. سینماگران برای جذابیت بخشیدن به آثار خود علاقه دارند که در ژانرهای سیاسی یا امنیتی اطلاعاتی را برای به واقعیت نزدیک کردن آثار خود به بیننده نمایش دهند، که ممکن است شیوهی بدست آوردن آنها مجرمانه باشد یا با حدس و گمانی که به واقعیت نزدیک است امنیت ملی یک کشور را به مخاطره بیندازند. بر این اساس اکثر دولت‌ها با شیوه‌های نظارتی خود قبل از صدور پروانه نمایش برای این آثار دست به سانسور این اطلاعات می‌زنند. برای مثال در ایالات متحده برای ساخت یک فیلم جنگی یا سیاسی ابتدا باید مجوزهایی را از پنتاگون یا سیا بگیرند تا بتوانند آنها بسازند (Wasko 2003: 380)، یا برای استفاده از اسناد محرمانه سیا بر اساس مجوز کنگره تنها زمانی می‌توانند از آنها استفاده کنند که ۵۰ سال از زمان ایجاد آنها گذشته باشد، که این محدودیت در دهه ۹۰ به ۲۵ سال کاهش یافت.^۱ در ایران نیز این محدودیت به صورت گسترده اعمال می‌گردد و علاوه بر وجود قانون خاص در این زمینه (قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی) در آیین‌نامه نیز به آن اشاره شده است و از موارد ممنوعیت در آثار سینمایی به شمار می‌رود.

۱. باید اشاره کنیم پیشتر چنین اطلاعاتی توسط دفتر ملی بایگانی و مدارک آمریکا یا نارا (NARA) در اختیار عموم قرار می‌گرفت. به علاوه، سال ۱۹۹۵ بود که بیل کلینتون (Bill Clinton) برای اولین بار دستور داد که تمامی اسناد محرمانه با ارزش تاریخی بیشتر از ۲۵ سال به صورت عمومی منتشر شوند اما نارا چنین کاری را با محدودیت‌های بسیار انجام داد.

چالش تحریک افکار عمومی موجب اخلاص و اعتراض به عنوان چالشی حقوقی-اخلاقی
 سینما همچنین می‌تواند با نوع بیان خود موجب بروز اغتشاش و اختلال و در نهایت به خطر افتادن نظم و امنیت عمومی گردد. مواردی که می‌تواند موجب این عمل گردد به شرح موارد ذیل است.

۱. توهین به عقاید مذهبی
۲. توهین به اقوام و نژادها
۳. توهین به اشخاص
۴. آموزش افکار تروریستی یا اعمال مجرمانه

به تصویر کشیدن این موارد موجب می‌گردد احساسات پاره‌ای از اشخاص جریحه‌دار گردد و دست به اقداماتی بزنند که امنیت عمومی یک کشور را به خطر بیندازد. اما باید توجه داشت که از هر کشور تا کشور دیگر این مساله متفاوت است و میزان بازخورد آن مربوط به قوانین مربوط به حوزه‌ی آزادی بیان آن کشور باز می‌گردد. در قسمت‌های بعدی مثال‌های عینی از آثار سینمایی که موجب برهم خوردن نظم عمومی و امنیت عمومی کشورها شده‌اند را بررسی خواهیم کرد.

چالش سینما و خشونت به عنوان چالشی حقوقی-اخلاقی

یکی از جنبه‌های منفی فیلم‌های سینمایی که شاید عام‌ترین آن در دنیا نیز باشد، تاثیر خشونت‌های آن بر افکار، عقاید، احساسات و رفتار مردم و بویژه کودکان و نوجوانان است. پژوهش‌ها در زمینه‌ی تاثیر خشونت بر رفتار کودکان و نوجوانان نشان می‌دهد که مشاهده خشونت در فیلم‌ها توسط کودکان، موجب می‌گردد خشونت با رفتار کودک به سطح خانواده، مدرسه و سپس جامعه منتقل گردد.

برای کاستن از مضرات و خطرات سینما می‌بایست اقدامات ذیل انجام گیرد:

- (۱) خانواده‌ها در درجه اول باید نقش فعالی در کمک به کودکان در فهم و درک آنچه در فیلم‌های سینما می‌بیند داشته باشد.
- (۲) سینما باید از روانشناسان، جامعه‌شناسان و سایر متخصصان در ساختن برنامه‌ها کمک بگیرد.

(۳) مسئولان می‌توانند بعضی از برنامه‌های مفید برای کودکان و نوجوانان را از سایر کشورها خریداری کنند.

(۴) مسئولان کشورها باید بکوشند تا از طریق علمی و با مشورت دانشمندان علوم انسانی و متخصصان فن‌آوری‌های جدید از گسترش بعضی از خطرات آن جلوگیری کنند یا حداقل بکاهند، زیرا صدمات وارده بهداشت روانی کودکان و نوجوانان از این راه بسیار شدید و آسیب‌زاست.

(پیراسته، ۱۳۹۴)، همچنین یکی از کارکردهای اساسی رسانه سینما اطلاع‌رسانی از وقایعی است که در محیط اجتماعی واقع می‌شود. پیشرفت بهت‌انگیز وسائل ارتباط جمعی در قرن حاضر جهان را به دهکده کوچکی تبدیل کرده است که انسان‌ها امکان اطلاع‌یابی از همه وقایع و حوادث جهان را به طور سریع و جامع دارند. رسانه‌های جمعی اعم از سینما روزنامه‌ها، مجلات، رادیو و تلویزیون، گاه از انحرافات اجتماعی، نظیر تجاوز، خشونت، قتل و ... پرده برمی‌دارند و زوایای پنهان داستانهای عشقی و جنایی را برای مخاطبان خود آشکار می‌سازند و انواع دام‌هایی را که بر سر راه جوانان قرار دارد، به آنان گوشزد می‌نمایند و راه‌های لغزش دیگران را برای مخاطبان ترسیم می‌کنند و با اطلاع‌رسانی به موقع و مناسب برای اعضای جامعه، در پیشگیری از انحرافات اجتماعی نقش مؤثری ایفا می‌کنند. (معمدنژاد، ۱۳۸۴: ۱۸۵)

چالش سینما و مصرف دخانیات به عنوان چالشی حقوقی-اخلاقی

سال‌هاست که کارشناسان بهداشتی در مورد تأثیر گسترده‌ی نمایش سیگار و سیگاری‌ها روی پرده سینما هشدار می‌دهند. آنها می‌گویند هنرپیشه‌های سیگاری در سراسر دنیا، نوجوانان و جوانان را به شکل ناخودآگاه به کشیدن سیگار ترغیب و تشویق می‌کنند. به نظر می‌رسد این رفتارسازی ناخوشایند فقط اختصاص به کشورهای غربی یا در حال توسعه ندارد و مطالعات نشان می‌دهد که همه نوجوانان در معرض خطر این گونه آموزش‌های غلط هستند. تحقیقات انجام شده در آمریکا، آلمان و مکزیک از سیگاری شدن نوجوانانی حکایت دارد که هنرپیشه‌های محبوبشان را در نقش‌های جذاب و پرکشش، سیگار به دست دیده‌اند. مطالعه‌ای که به تازگی در نشریه طب پیشگیری آمریکا چاپ شده، مشخص کرده نوجوانانی که بیشتر از همسن و سال‌هایشان صحنه‌های سینمایی «سیگاردار» را دیده‌اند، دو برابر بیشتر احتمال دارد که سراغ امتحان کردن آن بروند و نهایتاً خودشان هم دودی شوند. (<https://article.tebyan.net/41937>)، متأسفانه در سینمای ایران هیچ حرکتی برای جلوگیری از به نمایش گذاشتن سیگار کشیدن وجود ندارد و همچنین به علت عدم وجود نظام رتبه‌بندی سنی در سینمای ایران همه‌ی کودکان و جوانان می‌توانند به راحتی صحنه‌های سیگار کشیدن ستارگان سینما را مشاهده کنند.^۱ از سوی دیگر در آمریکا اگر در فیلم‌های سینمایی

۱ برای مثال بهرام رادان در "سنتوری" تصویر جدیدی از اعتیاد را به سینمای ایران نشان می‌دهد که نشانگر آن است که مهارت علی را در تزریق و کشیدن سیگار بخوبی شناخته است. مژده شمسایی در "سگ کشی" با صورت زخم بر اثر شکنجه و تجاوز انگار که تمام درد‌های درونی‌اش را با دود سیگار به بیرون می‌ریزد. سعید راد در "دونل" سیگار را در کف دست خاموش می‌کند که بیش از هر چیز دیگر، آدم را یاد سینمای هالیوود می‌اندازد. صحبت من و رضا در ساعت ۱۱ شب به پایان رسید، رضا بلند شد و رفت، آخرین سیگار شبانه‌اش را

دخانیات به صورت آشکار مصرف گردد درجه فیلم با محدودیت روبرو می‌گردد و تبدیل به درجه PG-13 می‌شود بدین مفهوم که موضوع فیلم برای کودکان زیر ۱۳ سال نامناسب بوده و باید همراه والدین به تماشای آن بروند.^۱

چالش‌های مسائل غیر اخلاقی و اشاعه فحشا به عنوان چالشی حقوقی - اخلاقی در سینما

انتشار عکس‌ها، تصویرها و مطالب خلاف عفت عمومی به هر صورتی، در اشاعه ی تفکر نادرست و سوق دادن افراد جامعه به ارتکاب اعمال ناپه‌نجان نقش و تأثیر بسزایی دارند. این گونه مسائل، افکار نابالغ را تحریک می‌کند و سبب گمراهی آنان می‌شود. افراد هنگام مشاهده یا مطالعه عکس‌ها، تصویرها و مطالب خلاف اخلاق از خود فارغ می‌شوند و چنین تصور می‌کنند که این تصویرها، واقعی و حقیقی‌اند. بدین ترتیب، امیال و خواسته‌های غریزی آنان تحریک می‌شود و درصدد برمی‌آیند به هر صورت ممکن، آنها را ارضا کنند. در این مسیر، بسیار امکان دارد که به انواع اعمال منحرف دست بزنند. پروفیسور کنستان چنین تلقینی را «عامل جرم زای فوق العاده قوی» نامیده است. (مصطفوی، ۱۳۷۲: ۱۹۳)

بر اساس تعالیم مقدس اسلامی، انتشار مطالب شهوت آمیز، حرام بوده و مستوجب عقاب است. مطبوعات به دلیل تأثیر مهمی که بر افکار عمومی دارند، از جایگاه خاصی برخوردارند. پس منطقی است که قانون‌گذار حساسیت بیشتری در مورد آنها نشان دهد و برای منع مطبوعات از اقدام به این گونه اعمال، تضمین لازمی را در قوانین پیش‌بینی کند. در ماده ۲۸ قانون مطبوعات چنین آمده است: انتشار عکس‌ها و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی، ممنوع و موجب تعزیر شرعی است و اصرار بر آن موجب تشدید تعزیر و لغو پروانه خواهد بود. بر اساس این ماده، اگر مدیر روزنامه‌ای به انتشار عکس‌ها و مطالب خلاف عفت عمومی اقدام کند، به مجازات تعزیری محکوم خواهد شد. هرگاه مدیر روزنامه به انتشار عکس‌ها و مطالب خلاف عفت عمومی اصرار داشته باشد، علاوه بر لغو پروانه ی انتشار، مجازات تعزیری شدیدتری در مورد او اعمال می‌شود. قانون مجازات اسلامی در بند ۱ و ۳ ماده ۶۴۰، انتشار عکس‌ها و مطالب خلاف عفت و اخلاق عمومی را جرم دانسته است.

نداشتن عفت کلام و توهین به افراد، عقاید، ادیان به عنوان چالشی اخلاقی - حقوقی

ریشه‌ی لغوی توهین و اهانت تفاوت دارد، زیرا حروف اصلی توهین «و ه ن» و حروف اصلی اهانت «ه و ن» است، ولی به دلیل نزدیکی معانی، در فرهنگ‌های فارسی برای ترجمه و

روشن کرد و من در طول مسیر به آن فکر می‌کردم که او واقعاً چقدر شبیه همفری بوگارت سیگار می‌کشد! به

نقل از: <http://nafez.parsiblog.com/Posts/545>

۱. ماده (۳) قواعد درجه‌بندی و طبقه‌بندی کارا

تبیین معانی یکدیگر به کار می‌رود. (جواهری، ۱۳۸۸: ۴۳ - ۶۹) در تفاوت میان توهین و اهانت می‌توان گفت که توهین اظهارنظری است که در حیثیت کسی وهن و سستی ایجاد کند، بدون آن که او را به صفتی واقعی متصف کند؛ اما در اهانت (تهمت و افترا) واقعیتی تحقیرآمیز به افراد منتسب می‌شود. در تعریف افترا بیان شده که «افترا، ابراز اظهاراتی است که ادعایی اشتباه را مطرح کرده، به صراحت یا به طور ضمنی حکایت از واقعیت می‌کند و ممکن است تصویری منفی از یک فرد، تجارت، محصول، گروه، دولت یا ملت ارائه دهد». (سودمند، ۱۳۹۰: ۶۰ - ۸۸) اصل اساسی در اهانت، تهمت یا افترا این است که صفتی به شخص نسبت داده شود که در صورت اثبات، جرم باشد. به عبارت دیگر تفاوت توهین و اهانت در این است که در توهین، صفت انتسابی لزوماً جرم نیست، اما در اهانت این صفت باید جرم باشد. تهمت در خصوص انتساب جرائم علیه عفت عمومی تخصیص خورده است و آن را تبدیل به «قذف» می‌کند و در صورتی که متضمن الفاظ رکیک باشد، بدون این که متکلم نسبت معلومی به طرف خود بدهد «فحش» نامیده می‌شود. (ضیایی، ۱۳۹۲: ۹۰ - ۱۱۲) این توهین یا اهانت می‌تواند منتسب به اشخاص گردد یا عقاید، ادیان و هم می‌تواند به دولت‌ها، ملت‌ها و دستگاه‌ها و نهادها منتسب گردد؛ که متناسب با هر کشوری با محدودیت‌ها و ممنوعیت‌هایی برخوردار است. به طور مثال در آمریکا، آلمان، استرالیا، آفریقای جنوبی و دیوان اروپایی حقوق بشر، اثبات حقیقی بودن اظهار منتسب شده را موجب زایل شدن وصف مجرمانه عمل تلقی می‌کنند. در مقابل انگلستان، اوکراین و فرانسه (با شرایطی) تنها به وهن آور بودن توهین توجه دارند. (Developments in the Law, 1956)

با این حال باید توجه داشت که جوامع در حال تحولند و آستانه‌ی تحمل‌پذیری جوامع گوناگون در مقابل واکنش به توهین متفاوت است. برای مثال در در زیست بوم سیاسی و فرهنگی آمریکا شخصیت‌های مانند جفرسون می‌گوید: «اگر همسایه من بگوید خدا را قبول ندارم یا به بیست خدا اعتقاد دارم، من آزاده نمی‌شوم»، طبیعی است که آستانه مدارا در آنجا بالاتر باشد. چنین اتفاقی در یک جامعه شرقی، ممکن است آن جامعه را دچار بحران و شورش بکند، اما همین جملات در یک جامعه غربی، هیچ بحرانی ایجاد نمی‌کند. (گرچی، ۱۳۹۵: ۲۱۷)

تبلیغات گمراه کننده به عنوان چالشی - حقوقی - اخلاقی

تبلیغات یکی از مهمترین مباحث علوم رسانه می‌باشد و نقش مهمی در پیشبرد اهداف تجاری یا غیر تجاری دارد. تبلیغات تجاری در مورد کالا و خدمات صورت می‌گیرد، اما تبلیغات غیر تجاری در عرصه‌های سیاسی (تبلیغات انتخابات ملی یا محلی) یا فرهنگی (تبلیغات مذهبی) و غیره صورت می‌گیرد. اصطلاح تبلیغات گمراه کننده عمدتاً ناظر بر تبلیغات تجاری است. (انصاری، ۱۳۹۱: ۲۵۳) تبلیغات تجاری دو کارکرد عمده دارد: اطلاع‌رسانی درباره‌ی کالاها و خدمات و تحریک و تشویق مخاطب به استفاده از کالا یا خدمات خاص. در کشورهای مختلف،

برای تبلیغات تجاری از طریق رسانه همگانی پاره‌ای قواعد و مقررات پیش‌بینی شده است که ممنوعیت‌های تبلیغاتی و شرایط تبلیغات مجاز را مشخص کرده‌اند. برای مثال تبلیغات مواد مخدر، مواد منفجره، تسلیحات، مشروبات الکلی، قمار و گرویندی در بسیاری از کشورها در زمره -ی تبلیغات غیر قانونی است. با توجه به این مسائل می‌توان این محدودیت را در سینما نیز به عنوان یک رسانه متصور شد و اینگونه بیان داشت که اگر در فیلمی تبلیغات تجاری یا غیر تجاری که موجب گمراهی مخاطب گردد وجود داشته باشد باید از پخش آن جلوگیری به عمل آمد و یکی از محدودیت‌های آزادی سینما در نظر گرفت. (انصاری، ۱۳۹۱: ۲۵۳)

نشر اطلاعات محرمانه دولتی و امنیتی به عنوان چالشی اخلاقی - حقوقی

یکی دیگر از موارد محدود کننده آزادی رسانه و علی‌الخصوص آزادی سینما نشر اطلاعات محرمانه دولتی و مسائل مربوط به امنیت ملی کشورهاست. این محدودیت را شاید بتوان مطلق دانست و آنرا محدودیتی عام و قابل اعمال در تمام کشورهای دنیا دانست. در تعریف ساده‌ای از اسرار دولتی می‌توان گفت: اطلاعاتی هستند که از سوی مقامات صلاحیتدار دولتی با رعایت تشریفات قانونی، طبقه‌بندی شده‌اند. مقوله‌هایی مختلفی می‌تواند به صورت اسرار دولتی در آید از جمله: اسرار نظامی، اسرار اقتصادی و علمی و فن‌آوری، اسرار سیاسی و اطلاعات مربوط به جاسوسی و ضدجاسوسی. (انصاری، ۱۳۹۱: ۱۳۲)، مقوله‌ی امنیت ملی را نیز می‌توان به عنوان مهمترین محدود کننده آزادی رسانه و آزادی سینما در نظر گرفت. تعبیر مختلفی از امنیت ملی شده است، اما به طور خلاصه می‌توان امنیت ملی را به وجود اطمینان خاطر برای دولت و شهروندان مبنی بر اینکه، تمامیت سرزمینی یا حکومت آنها در معرض تهدید داخلی یا خارجی قرار ندارد تعبیر کرد. احصاء و پیش‌بینی مصادیق بیان‌های مخالف با امنیت ملی در قوانین و مقررات غیرممکن است، زیرا هر زمان ممکن است اطلاعاتی تولید یا کشف شود که افشای آنها در رسانه‌ها، امنیت ملی را به مخاطره بیندازد. (انصاری، ۱۳۹۱: ۱۲۲-۱۲۶) با این حال به نظر می‌رسد تبلیغ یا تشویق مردم به مسائلی از جمله جرائم تروریستی، جرائم سیاسی و سایر جرائم در رسانه و فاش نمودن اسرار دولتی از جمله مواردی باشد که بتوان آنرا محدودیت‌های آزادی سینما دانست.

چالش نشر اطلاعات شخصی افراد به عنوان چالشی حقوقی - اخلاقی

حق رعایت و احترام به زندگی خصوصی یکی از آزادی‌های بنیادین محسوب می‌شود که از مفاهیم نظام‌های حقوقی توسعه‌یافته است و با کرامت انسان‌ها نیز ارتباطی نزدیک دارد. بنابراین پشتیبانی و حمایت از شخصیت افراد، نیازمند حمایت از حریم خصوصی اوست. از لحاظ سابقه تاریخی این حریم باید گفت که تحقیقات و مطالعات مردم‌شناسی نشان می‌دهد در تمام جوامع و در تمام زمان‌ها و دوره‌ها، حتی در جوامع ابتدایی، قواعد اجتماعی وجود داشته که ورود به اماکن

خاصی را محدود می‌کرده و حضور در اماکن معینی را ممنوع می‌دانسته است. (فروغی، ۱۳۹۳: ۱۳۷ - ۱۷۱) حریم خصوصی قلمروی از زندگی هر فرد است که انتظار معقول دارد دیگران بدون رضایت او وارد آن نشوند یا به اطلاعات آن قلمرو دسترسی نداشته باشند. حریم خصوصی را به چهار نوع تقسیم کرده‌اند: «حریم خصوصی جسمانی»، «حریم خصوصی مکانی»، «حریم خصوصی اطلاعات» و «حریم خصوصی ارتباطات». اسناد بین‌المللی مختلفی این حق را به رسمیت شمرده‌اند و حمایت از آن را تکلیف دولت‌ها اعلام کرده‌اند. (صفایی، ۱۳۹۱: ۱۳۱ - ۱۵۷) بر این اساس و با توجه به حمایت‌های قانونی از این حریم می‌توان در نظر گرفت که یکی دیگر از محدودیت‌های آزادی سینما، نشر اطلاعات شخصی افراد و مربوط به حریم خصوصی آن‌هاست.

چالش عدم رعایت حقوق مربوط به مالکیت فکری به عنوان چالشی حقوقی-اخلاقی

مسأله‌ی مالکیت فکری و حقوق ناشی از آن نقش تاثیرگذاری در سینما دارد به طوری که در تمامی اجزای یک اثر سینمایی ردپای این حقوق را می‌توان یافت. فیلم‌نامه، اصوات و موزیک‌فیلم، صحنه‌ها و حتی ترانه‌هایی که در یک فیلم به نمایش در می‌آید تحت شمول حقوق مالکیت فکری می‌باشد و می‌توان از یک حقوق به عنوان مشروعت‌ترین نوع محدودیت آزادی سینما نام ببریم. با توجه به اینکه موضوع حقوق مالکیت فکری موضوع تخصصی و کاربردی می‌باشد و مباحث مفصل و طولانی دارد که خارج از موضوع این رساله است به آن بیش از این پرداخته نمی‌شود.^۱ از این رو به نظر می‌رسد که مسأله محدودیت‌ها، مجوزها، نظارت‌ها و سانسورها در سینما تا حدودی و با توجه مسائل پیش گفته تعرض به آزادی بیان نیست بلکه حمایت از حقوق فردی و جمعی مانند حفظ حیثیت و آبروی افراد یا حفظ مسائل امنیتی که جنبه‌ی عمومی دارد می‌باشد. لذا به نظر می‌رسد آزادی سینمایی مطلق با حفظ نظم عمومی کشور که یکی از ارکان توجیه‌کننده‌ی ایجاد دولت است در تضاد می‌باشد و می‌بایست بررسی و تبیین گردد که دولت به واسطه حفظ نظم عمومی چگونه باید با سینما و سینماگران ارتباط برقرار نماید که هم حقوق فردی تضمین شود و هم حقوق جمعی، هم نظم عمومی برقرار شود و هم آزادی سینما حفظ گردد.

اخلاق حسنه و آزادی سینما

یکی از نقاط تلاقی و هم‌پوشان اخلاق و حقوق و یکی از منابع مهم نظم عمومی، «

۱. برای مطالعه‌ی بیشتر در این زمینه رجوع شود به پایان نامه کارشناسی‌ارشد با عنوان: «حمایت از آثار سینمایی در حقوق مالکیت معنوی» نگارش آقای مصطفی سلطانی به راهنمایی آقای دکتر میرقاسم جعفرزاده دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۸۷، رشته حقوق مالکیت فکری.

اخلاق حسنه» است. از منظر حقوقی اخلاق حسنه تنها عادات و رسوم جاری یک جامعه و قواعد صرف اخلاقی آن نمی‌باشد، بلکه شالوده‌ی قوانین و جزء هنجارهای حقوقی آن محسوب می‌شوند و به همین دلیل دارای ضمانت اجرا می‌باشد. (ساکت، ۴۵۷) برخی نیز معتقدند مقصود از اخلاق حسنه، منش و کردار محسنین و پرهیزکاران جامعه است؛ که منبع بخش مهمی از قواعد نظم عمومی از آن می‌تراود و مانع تجاوز قراردادهای خصوصی به اخلاقیات است. (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۵۲) هر چند نظم عمومی و اخلاق حسنه هر کدام قلمرو ویژه‌ای دارند، اما ارتباط و نفوذ آنان بر یک دیگر امری انکار ناپذیر است. در نهایت می‌توان گفت آن‌چه با اخلاق حسنه منافات دارد با نظم عمومی نیز مخالف است. ولی امکان داد، قرارداد یا فعلی که با نظم عمومی در تعارض است، از نظر اخلاقی ناپسند به نظر نیاید.

آزادی سینما و اخلاق حسنه در ایران

قانون‌گذار ما در قوانین مختلف بیان می‌کند که آثار ایجاد شده «مخالف موازین شرع و اخلاق حسنه نباشد»، همانند ماده ۶ قانون مطبوعات که بیان می‌دارد: «نشریات جز در مورد اخلال به مبانی و احکام اسلامی و حقوق عمومی و حقوق خصوصی که در این فصل مشخص می‌شوند آزادند» و همچنین در آیین‌نامه نظارت بر نمایش فیلم نیز مسائل زیادی در مورد رعایت موازین شرعی را به صورت ممنوعیت‌های آثار سینمایی، اشاره کرده است. به نظر می‌رسد در نظام حقوقی ایران اخلاق حسنه ریشه‌ی مذهبی و عرفی گرفته است. و لذا هر جا سخن از اخلاق حسنه به میان آمده است آن‌را با رعایت موازین شرعی یکسان یا لااقل هم‌سنگ دانسته‌اند.

اخلاق حسنه و رابطه آن با موازین شرع در حقوق ایران

در حقوق ایران، باید گفت که با توجه به رواج دین مبین اسلام در اکثریت قاطع مردم و نفوذ عقاید مذهبی در آداب و رسوم و اخلاق اجتماعی ملاک تشخیص اخلاق حسنه در مرحله‌ی اول موازین «اخلاق اسلامی» می‌باشد، و اگر نتوانستیم تشخیص بدهیم به عرف افراد متقی و پارسای جامعه مراجعه می‌کنیم. (عزیزی، ۱۳۹۲: ۱۳۸) بنا به تعبیر دکتر کاتوزیان، اخلاق حسنه «روش و کردار محسنین و پرهیزکاران جامعه» می‌باشد. البته گروهی در صدد آنند که اخلاق حسنه را آنچه که در قوانین آمده قلمداد کنند (عزیزی، ۱۳۹۲: ۱۳۹) که این نظریه امروزه مورد استناد قرار نمی‌گیرد. بهترین ملاک برای اینکه این دو مفهوم در حقوق ایران در یک معنا استفاده شده‌اند، ماده ۶ قانون آ.د.م مصوب ۱۳۷۹ است که اشعار می‌دارد: «عقود و قراردادهایی که مخل نظم عمومی یا بر خلاف اخلاق حسنه که مغایر با موازین شرع باشد، در دادگاه قابل ترتیب اثر نیست». از منطوق ماده مذکور میتوان به طور کلی این استنباط را کرد که مقنن، خلاف اخلاق حسنه را برابر با خلاف موازین شرعی در نظر گرفته است.

جایگاه اخلاق حسنه در سینمای ایران

اخلاق حسنه در سینمای ایران را در دو برهه‌ی پیش از انقلاب و پس از انقلاب بررسی خواهیم کرد.

اخلاق حسنه و چالش اخلاقی آزادی سینما در ایران پیش از انقلاب

به سهولت می‌توان این نکته را دریافت که آثار سینمایی پیش از انقلاب هیچ‌کدام با معیارهای عرضه شده‌ی مربوط به اخلاق حسنه هم‌خوانی ندارند. شاید آثار انگشت شماری را بتوان یافت که از حیطه‌ی اخلاق خارج نشده‌اند. در اکثر آثار سینمایی به صورت صریح یا ضمنی به مسائل شرعی و یا اعتقادات مذهبی مردم توهین می‌شد و آن‌ها را دستمایه شوخی قرار می‌داد. به طور کلی در آثار سینمایی دوران قبل از انقلاب به گونه‌های زیر با موازین شرعی به مخالفت پرداخته می‌شد:

الف- آثاری که به صراحت، دین و دستورات دینی را استهزا می‌کرد. مانند فیلم «محلل» ۱۳۵۰ ساخته‌ی نصرت‌الله کریمی که مساله طلاق را در اسلام به سخره می‌گیرد یا فیلم شب-نشینی در جهنم (۱۳۳۶) ساخته حسین مدنی است که به تمسخر مسائلی همچون معاد،برزخ و دوزخ می‌پردازد.

ب- آثاری که داستان‌های ریشه‌دار مذهبی را با شیوه‌های ضد ارزش ساخته‌اند. مانند فیلم «یوسف و زلیخا» ۱۳۳۵ و «طوفان نوح» ۱۳۴۶ هر دو ساخته سیامک یاسمی که داستان‌های آنها را به گونه‌ی غیر اخلاقی روایت می‌کند. (کشانی، ۱۳۸۳: ۱۴۲-۱۴۶)

اخلاق حسنه و چالش اخلاقی آزادی سینما در ایران بعد از انقلاب

وقوع انقلاب اسلامی در ایران باعث شد نگاه به مسائل اجتماعی و اخلاقی تغییر کند و به همه مسائل با نگاه اسلامی نگاه شود. به همین علت رعایت موازین شرعی و اخلاق اسلامی جزئی از سیاست‌های فرهنگی کشور گردید و به تبع آن رعایت آن جز محدودیت تولید و اکران آثار سینمایی نیز گردید. برای رعایت این مهم در نظام صدور مجوزهای سینمایی در شورای بازبینی و صدور پروانه نمایش یک نفر روحانی آشنا به مسائل هنری عضو است تا بتواند خلاف شرع و موازین اسلامی بودن یک اثر را مورد بررسی قرار دهد. در ماده ۳ همین آیین‌نامه هم بسیاری از موارد اعتقادی و اسلامی را بر شمرده است که نظارت روحانی شورا بر اساس همین موارد امکان‌پذیر شده است. وجود همین موارد در ماده (۳) آیین‌نامه و وجود عضو روحانی در شورا موجب گردید است از روزی که این ساختار ایجاد شده‌است، ممیزی‌های مختلفی بر فیلم‌ها اعمال گردد. البته این ممیزی‌ها با گذر زمان تغییرات قابل توجهی یافته است و نسبت به اوایل دهه‌ی هفتاد بسیار سهل‌گیرانه‌تر گردیده است. فیلم‌های مختلفی با ممیزی در سینمای ایران به دلیل مخالف با موازین شرعی بودن روبرو شده اند. برای مثال در فیلم نوبت عاشقی محسن

مخملباف به علت نشان دادن یک مثلث عشقی، حتا با آنکه در خارج از ایران و با هنرمندان ترک ساخته شده بود و هرگز مجوز اکران نگرفت؛ یا فیلم آدم برفی به علت بازی کردن اکبر عبدی در نقش یک زن ابتدا مجوز اکران کسب نکرد و پس از طی فراز و نشیب‌های فراوان توانست پروانه نمایش بگیرد. یکی از راه‌حلهایی که برای گریز از این ممیزی استفاده شد پیشنهاد مرحوم رسول صدرعاملی بود که برای نشان دادن روابط عاشقانه‌ی میان دو جوان به گونه‌ای فیلم‌نامه را طراحی کرده بود که به نظر می‌رسید آن دو با هم عقد کرده‌اند. با این حال مسائل اخلاقی به طور باورنکردنی سیال و متغیر هستند و پس از گذر سال‌ها از آن دوران اکنون سطح ممیزی کاهش یافته است و مسائلی که در گذشته تابو به حساب می‌آمده اند اکنون بسیار عادی بوده و با ممیزی روبرو نمی‌شوند، مانند به نمایش گذاشتن روابط عشقی، بازی کردن در نقش جنس مخالف یا استفاده آشکار از مواد مخدر و غیره.

آزادی سینما و چالش اخلاقی، اخلاق حسنه در ایالات متحده

در اصلاحیه اول قانون اساسی ایالات متحده مساله بحث برانگیزی از جدال میان اصول آزادی بیان و حق آنهایی که قوانین را مجبور به اعمال محدودیت‌های بر ارتباطات جنسی می‌کنند، وجود ندارد. دیوان عالی روشن کرد که مطالب مستهجن قانونی توسط اصلاحیه‌ی اول قانون اساسی حمایت نمی‌شود و ممکن است توسط مقامات فدرال ایالتی یا محلی سرکوب و توقیف شود اما از طرفی اگر یک کار مستهجن نباشد، قانونا حمایت می‌شود و ممکن است کاملاً منع نشود. از این رو لازم است تا ابتدال را تعریف کرد؛ و این وظیفه سال‌ها مانع کار صحیح دادگاه‌ها بوده است. (Belmas, 2017: 431) بالاترین دادگاه کشور باید مرتباً در این زمینه دخالت کند، گاهی اوقات با بررسی پرونده‌های خاص تصمیم می‌گیرد که آیا آنها مستهجن هستند یا خیر؟ این یک کار طاقت فرسا و بیهوده برای بالاترین مرجع قضایی یک کشور است. قاضی سابق دیوان عالی پاتراستوارت یک اعتراف معروفی کرد که او نمی‌تواند ابتدال را تعریف کند، اما افزود: "اگر آن را ببینم تشخیص می‌دهد".

حتی اگر دیوان عالی در تعریف آن مشکل دارد، بسیاری از مردم علاوه بر قضات و پورنو گرافرهای حرفه‌ای لازم است بدانند از نظر قانونی چه چیزی مستهجن است و چه چیزی نیست، برای مثال، روزنامه نگاران، فیلم پردازها، عکاسان و اشخاص تبلیغ کننده لازم است قوانین این زمینه را بدانند. روزنامه نگاران اغلب متهم به انتشار چیزهای مستهجن می‌شوند، اما در واقع، این مطالب حتی نزدیک به تعریف قانون از ابتدال نیست.

چالش اخلاقی بی نزاکتی^۱

در سال ۲۰۰۶ کنگره جریمه‌ای که پخش کنندگان در صورتی که آنها اجازه کلمات غیر مستهجن اما قبیح و زشت را بدهند یا در برنامه‌های تلویزیونی با رادیویی قبل از ساعت ۱۰ شب پخش شود، باید بپردازند را بشدت افزایش داد. دادگاه تأیید کرد که ادارات نمی‌تواند مطالب غیر مستهجن را از بیشتر رسانه‌ها منع کند حتی اگر طبق استانداردها کمیسیون ارتباطات فدرال برای پخش کنندگان این مطالب قبیح باشد.^(Belmas, 2013: 433) در سال ۱۹۹۶ کنگره قانون نزاکت ارتباطات^۲ را به عنوان بخشی از قانون ارتباطات تصویب کرد، که نه تنها بی نزاکتی را بلکه همچنین مطالب قبیح را در هر بخش قابل دسترس اینترنت توسط کودکان را ممنوع می‌کرد. دادگاه مقررات اصلی این قانون را در یک تصمیم ۱۹۹۷ باطل کرد، پرونده (Reno v. ACLU) تأیید کرد که اینترنت به همان گستردگی محافظت اصلاحیه اول قانون اساسی برای رسانه‌های چاپی برخوردار است. بحث در مورد بی نزاکتی یکی از بحث‌های ملی از اخلاق و سانسور در هنر است. بعد از اینکه چندین هنرمند که آثارشان برای بسیاری توهین آمیز و زننده بود کمک‌های مالی فدرال دریافت کردند، کنگره محدودیت‌های بر محتوا آثاری که از لحاظ مالی توسط پشتوانه ملی هنر حمایت می‌شوند، تحمیل کرد. آنهایی که دریافت کنندگان کمک مالی را انتخاب می‌کنند مجبور به رعایت استانداردهای نزاکت و احترام به اعتقادات گوناگون و ارزش‌های مردم آمریکا می‌باشند. دریافت کنندگان کمک مالی پشتوانه ملی هنرهای آمریکا ملزم به امضا تعهدات ضد ابتذال طبق این قانون ۱۹۹۰ هستند.^(Belmas, 2013: 433) تمام ۵۰ ایالت قوانینی برای کنترل ابتذال دارند، و قانون فدرال هم واردات و هم پخش آثار مستهجن را ممنوع می‌کند. علاوه بر این، قانون فدرال استفاده کودکان زیر سن قانونی یا بزرگسالانی که نقش زیر سن قانونی را اجرا می‌کنند در آثار جنسی صریح از همه نوع را ممنوع می‌کند. همچنین، قانون مبارزه با سازمان‌های فاسد و باجگیر اجازه مصادره اموال تجارت‌های مرتبط با ابتذال را دارد. قوانین جداگانه‌ای به ماموران گمرک و دیگر مقامات فدرال، اجازه نابود کردن وسایل و مطالب مبتذل را می‌دهد.

بسیاری از قوانین ایالتی تولید، انجام یا فروش آثار مستهجن را جرم تلقی می‌کند و اجازه مصادره آنها را می‌دهد. اما وقتی این قوانین فدرال و ایالتی اجرا می‌شوند، نتیجه‌ی آن اغلب درگیری میان آزادی فردی و حق جامعه برای دیکته استانداردهای اخلاقی برای همه است.^(Belmas, 2013: 433) دیوان عالی ایالات متحده به عنوان مفسر نهایی معنای اصلاحیه اول قانون اساسی اغلب مجادلات بر سر ابتذال را حل کند، اما در سال‌های بعد دادگاه اول تلاش کرد

1. Indecency

2. Communications Decency Act

تا ابتذال را تعریف کنید، تلاش دادگاه برای تعریف آنچه از نظر قانونی مبتذل نامیده می‌شود گاهی اوقات موجب سر درگمی بیش از پیش است. با توجه به دشواری ارائه تعریف مناسب قانونی از کلمه مستهجن، بسیاری از ایالت‌ها و شهرها به دنبال راه جایگزینی برای کنترل فروش یا نمایشگاه کتاب‌ها، مجلات و فیلم‌های جنسی هستند، به عنوان مثال، برخی از شهرها تلاش کرده‌اند تا محصولات جنسی بزرگسالان را خارج محله‌های مسکونی اسکان دهند. سرانجام در سال ۱۹۳۳ قاضی فدرال جان ولسی گفت یک اثر باید یک اثر نمایشی بر اساس تاثیر آن بر یک شخص با تمایلات میانگین جنسی و نه بر اساس اثر آن بر فاسدترین اشخاص جامعه قضاوت شود. علاوه بر این او گفت این اثر باید در کل و نه بر اساس عبارات محدودی قضاوت شود.

چالش اخلاقی - حقوقی تعیین قلمروی ابتذال و مستهجن در ایالات متحده

در سال ۱۹۵۷ دیوان عالی تعدادی از دادخواهی‌های ابتذال را مرور کرد و در نهایت به این مساله رسیدگی نمود. در پرونده باتلر علیه ایالت میشیگان دادگاه یک قانون میشیگان را باطل کرد که فروش هر کتابی که ممکن است کودکان صغیر را به انجام اعمال فاسد تحریک یا حق آنها را فاسد کند، ممنوع می‌کرد. قضات گفتند که ایالت‌ها نمی‌توانند مطالعه عمومی مردم در برابر کتاب‌هایی که برای مردان و زنان بالغ زیاد ناهنجار نیست را به منظور محافظت از معصومیت نوجوانان با محدودیت روبرو کند. دادگاه گفت اگر اجازه چنین کاری بدهیم، نتیجه آن محدود کردن جمعیت بزرگسالان میشیگان به مطالعه چیزهایی است که برای کودکان مناسب است، خواهد شد (Belmas, , 2013: 434). بنابراین دیوان عالی اولین گام خود در جهت تحدید این مساله گفت: «نه فقط به این دلیل که ممکن است برای کودکان بد باشد نمی‌تواند برای بزرگسالان ممنوع شود». چهار ماه بعد در این دادگاه تصمیم دیگری (پرونده راث) در مورد ابتذال صادر شد و این به عنوان نقطه عطف دادگاه در حکم دادن در مورد این مساله بود. ساموئل راث طبق قانون فدرال بدلیل انتشار مطالب جنسی و عکس‌های برهنه که دادستان‌های فدرال تایید کردند که مستهجن است، محکوم شد. این پرونده با پرونده دیگری تعیین شد، که در آن دیوید آلبرتو به نقض قانون کالیفرنیا علیه در اختیار داشتن مطالب مستهجن برای فروش محکوم شد. دیوان عالی هر دو رای محکومیت را ابراء نمود و اظهار داشت که این قانون تناقضی با قانون اساسی ندارند. دادگاه به طور خاص اظهار نمود که محتوای مستهجن مورد حمایت اصلاحیه اول قانون اساسی نمی‌باشند.

(Belmas, , 2013: 433) با این وجود، نظر قاضی ویلیام برنان نیز یک تعریف از ابتذال را اتخاذ کرد که برخی از دادگاه‌های بدوی از آن پیروی می‌کنند. این دادگاه اعلام کرد که پس هیچ ایالتی نمی‌تواند مطالب با گرایش‌های جنسی را به عنوان مستهجن منع کند مگر اینکه آنها طبق این تعریف جدید قانونا مستهجن باشند. با استفاده از این تعریف جدید، یک دادگاه تعیین

می‌کند که آیا یک اثر با پرسیدن اینکه برای افراد میانگین، اعمال استانداردهای جامعه معاصر، موضوع غالب این مطالب به عنوان جاذبه کلی برای علاقه به ابتذال است. با این حال، دادگاه-هایی که پرونده‌های آبرتر و راث را رسیدگی کردند هر دو از تعریف دقیق ابتذال استفاده نمودند، از این رو محکومیت آنها تایید شد. راث یک پرونده بسیار مهم است، زیرا رسماً تعریف جدید از ابتذال را اتخاذ کرد و آن را در همه جای آمریکا ملزم است. مدت کوتاهی پس از حکم پرونده راث دیوان عالی کشور برای مرور تعدادی از پرونده‌های دیگر مربوط به مطالب جنسی صریح فراخوانده شد و در مدت کوتاهی یک رویه آغاز شد. این دادگاه مرتباً تصمیمات دادگاه بدوی مبنی بر آثار مختلفی مستهجن بودند را باطل کرد. تنها در ۱۹۵۸ و ۱۹۵۹، دیوان عالی کشور احکام ابتذال در مورد یک مجموعه از نشریات فرهنگی و دانشجویی هنر، یک مجله همجنسگرا و مجلات دیگری که دارای برهنگی بودند را باطل کرد. این دادگاه همچنین یک اساسنامه ایالتی که فیلم‌هایی که زنا را به تصویر می‌کشد را ممنوع اعلام کرده بود باطل کرد⁴³⁹، Belmas, (2013) پرونده راث یک تصمیم تاریخی بود، و مانند بیشتر تصمیمات تاریخی بعضی سوالات را بدون جواب گذاشت. به عنوان مثال، تعریف جامعه از استانداردهای جامعه چیست؟ آیا مناطق محلی را در بر می‌گیرد یا چیزی بزرگتر از آن است؟ و نقض این استانداردهای جامعه چه عواقبی دربر دارد؟ دیوان عالی به مساله اخیر در یک تصمیم معروف در ۱۹۶۲ رسیدگی کرد. این پرونده درگیر تلاش‌های اداره پست برای ممنوعیت چندین جمله همجنسگرا از ارسال پستی آنها، می-شد. اگر چه نظر اکثریت انگ تیره و غم انگیز، زشت و جلف به این جملات زد، این دادگاه گفت آنها مستهجن نبوده و از این رو حق آنها برای استفاده پست ایالات متحده را تایید کرد، طبق قانون ابتذال فدرال معتبر در زمان حاضر یک اثر باید بر اساس تمایل به ابتذال تجدید نظر شود و آشکارا توهین آمیز باشد تا بتوان آن را ممنوع کرد. دادگاه گفت این نشریات به وضوح توهین آمیز نیستند. دادگاه همچنین موقعیت را پیش تر اتخاذ کرده بود مبنی بر این که برهنگی صرفاً مستهجن نیست، را تایید کرد. "وقتی موضوع را مشاهده کنم تشخیص خواهم داد". آن پرونده استانداردها را تعریف نشده رها کرد، اما یک تصمیم دیوان عالی در سال ۱۹۶۴ به این مساله رسیدگی کرد. نیکوچلوبلیس یک مدیر تئاتر، به نقض یک قانون اوهایو، با نمایش یک فیلم فرانسوی مستهجن با عنوان Les Amant محکوم شد. این دادگاه حکم جکوبلیس را باطل کرد. حکم داد که این فیلم غیر مستهجن است. این فیلم در حدود ۱۰۰ شهر از جمله دو شهر دیگر در اوهایو پخش شد. قاضی برنان برای اکثریت دادگاه نوشت و گفت قانون اساسی به استانداردهای ملی در مورد ابتذال نیاز دارد. قانون اساسی فدرال به این مفهوم ابتذال اجازه داشتن مفهوم متفاوتی از ایالت به ایالت و شهر به شهر را نداد (Belmas, 2013 437) وجود نداشتن تعریف جامعی از ابتذال و اینکه این مفهوم در نزد هر کس به شکلی تجسم میافت موجب گردید،

دادگاه‌ها از تعریف کردن ابتذال دست بکشند و بیشتر بر روی تجارت‌های این آثار وقت بگذارند و سه دسته از مشاغلی را که در مورد تجارت این آثار بود تعقیب نمایند؛ این سه دسته عبارتند از: (۱) فروش مطالب و وسایل تحریک کننده جنسی به نوجوانان (۲) توزیع چنین مطالبی به شیوه- های که تهاجم به حریم خصوصی افراد باشد زیرا برای اشخاص غیر مشتاق غیر ممکن است از در معرض قرار گرفتن آن جلوگیری کند (۳) فروش به شیوه مدلینگ جنسی (Belmas, 2013: 438)

اکثریت جدید دیوان عالی ایالات متحده فرصتی داشتند تا بیانات خود را در مورد ابتذال را در سال ۱۹۷۲ به قانون تبدیل کنند و نتیجه آن یک تصمیم تاریخی جدید بود. چهار گماشته نیکسون و قاضی بایرون وایت یک اکثریت پنج نفره را تشکیل دادند. دادگاه با این تغییر در سال ۱۹۷۳ فرصت را غنیمت شمرد و آزمون جدید خاصی برای ابتذال نوشت. این آزمون جدید می- گوید یک اثر زمانی مستهجن است که:

۱. یک شخص عادی، با اعمال استانداردهای جامعه معاصر، دریابد که این اثر بصورت کلی تمایل شهوانی را جذب می‌کند.

۲. این اثر به یک شیوه واضح، رفتار جنسی را توصیف یا به تصویر می‌کشد و قانون ایالتی قابل اعمال به طور خاصی تعریف کرده چه توصیفات و تصاویر ممنوع است.

۳. این اثر، فاقد ارزش ادبی، هنری، سیاسی و علمی جدی است.

یکی از اهداف دادگاه در اجازه داند به ایالت‌ها برای اتخاذ استانداردهای محلی، قطعا به منظور کاهش حجم کاری دادگاه‌های فدرال بوده است. به هر صورت این قضیه حتی تا به امروز وجود دارد که چه چیز مستهجن و مبتذل است و چه چیز نیست و همه ساله دیوان عالی ایالات متحده با چندین پرونده در این زمینه درگیر بوده است. (Belmas, 2013: 440)

نتیجه‌گیری

با بررسی چالش‌های حقوقی و اخلاقی ناشی از آزادی سینما در قالب مقاله مذکور نتایج زیر قابل بررسی می‌باشد: اولاً، آزادی مطلق در هیچ جامعه بشری وجود ندارد، زیرا وجود آزادی بدون قید و شرط به ضرر شهروندان و دولتمردان است. آزادی‌های بشری به وسیله قانون محدود شده است، بنابراین می‌توان به سادگی دریافت که آزادی، ارتباطی تنگاتنگ با قانون دارد و آزادی افراد معمولاً محدود به قوانینی است که برای آن‌ها وضع می‌شود و این دو موضوع ارتباط مستقیم و مکملی با امور اخلاقی دارند، ثانیاً، آزادی سینما مطلق نمی‌باشد و در هر کشوری با توجه به هنجارهای آن می‌توان محدودیت‌هایی نسبت به آن اعمال نمود که این اعمال محدودید می‌تواند تا حدودی چالش‌های حقوقی و اخلاقی را کاهش دهد، ثالثاً، آزادی سینما مفهومی است که از آزادی بیان برمی‌آید و در واقع سینما به عنوان هنر هفتم، با شیوه‌ی سمعی-بصری خاص خود در پی تحقق این مهم است. تقابل آزادی و چالش‌های حقوقی و اخلاقی آن همواره یکی از چالش‌های دولت‌ها بوده است و به همین علت دولت‌ها برای انجام این مهم‌ترین وظایف خود، دست به اقداماتی مانند مقررگذاری فرهنگی و نظارت‌های پیشینی و پسینی بر سینما زده‌اند.

فهرست منابع

الف - کتب

۱. برسون، روبر؛ «یادداشت‌هایی در مورد سینماتوگرافی»، ترجمه‌ی علی اکبر علیزاد، تهران: بیدگل، ۱۳۹۵.
۲. عباسی، بیژن؛ حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین، تهران: دادگستر، چ ۱، ۱۳۹۰.
۳. عباسی، بیژن؛ مبانی حقوق عمومی، تهران: دادگستر، چ ۱، ۱۳۹۳.
۴. دوریو، امانوئل، حقوق رسانه‌ها، ترجمه: مجید ادیب، تهران، میزان، چاپ اول، بهار ۱۳۹۳.
۵. قاری سید فاطمی، سید محمد، حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر دوم، تهران، شهر دانش، چاپ دوم، ۱۳۸۹.
۶. مصطفوی، حسن؛ التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: انتشارات مصطفوی، جلد نهم، ۱۳۷۲.
۷. گرجی، علی اکبر؛ سیاسی سازی حقوق، تهران: خرسندی، چ ۲، ۱۳۹۵.
۸. انصاری، باقر؛ حقوق رسانه، تهران: سمت، چاپ دوم، ۱۳۹۱.
۹. ساکت، محمدحسین؛ حقوق شناسی، تهران: ثالث.
۱۰. کاتوزیان، امیرناصر؛ اعمال حقوقی، تهران: سهامی انتشار، ۱۳۸۵، چ ۱۱.

ب - مقالات

۱۱. جواهری، محمدرضا و موسوی، سیدرضا؛ «حکم اهانت به مریم مقدس در شریعت مسیحیت»؛ مطالعات اسلامی فقه و اصول، شماره ۸۲، ۱۳۸۸.
۱۲. سودمندی، عبدالمجید و مستقیمی قمی، بهرام؛ «افترا و ممنوعیت آن در نظام حقوق بشر»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۵، شماره ۱، ۱۳۹۰.
۱۳. ضیایی، سید یاسر و طباحی ممقانی، جواد؛ «توهین در رسانه از منظر حقوق بین الملل و حقوق ایران»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۷، شماره ۳، ۱۳۹۲.
۱۴. فروغی، فضل الله؛ «مبانی ممنوعیت نقض حریم خصوصی در حقوق ایران و آمریکا»، مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ۶، شماره ۳، ۱۳۹۳.
۱۵. صفایی، سید حسین؛ «رابطه‌ی آزادی اطلاعات و حریم خصوصی»، حقوق اسلامی، سال نهم، شماره ۳۳، ۱۳۹۱.
۱۶. کشانی، علی اصغر؛ سینمای دینی پس از انقلاب اسلامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳.
۱۷. معتمدنژاد، کاظم؛ جامعه اطلاعاتی و اندیشه‌های بنیادی، تهران: مرکز پژوهش‌های ارتباطات، ۱۳۸۴.
۱۸. پیراسته، بهرام؛ «بهداشت روانی و تاثیر رسانه گروهی»، نشریه اینترنتی ویستا، ۱۳۹۴/۵/۲۳.

ج - پایان نامه

۱۹. عزیزی، محمدرضا؛ نظم عمومی و اخلاق حسنه و مالکیت‌های ادبی و هنری، پایان نامه کارشناسی

ارشد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، رشته حقوق مالکیت فکری، به راهنمایی دکتر سید محمد قاری سید فاطمی، شهریور ۹۲.

د- سایت

20. <https://article.tebyan.net/41937>

منابع لاتین

21. Belmas Genelle, Major principles of Media Law, 1st Edition 2017
22. Developments in the Law: Defamation”, Harvard Law Review, Vol. 69, No. 5, 1956.
23. Belmas, Genelle, *Major Principles of Media Law*. Wadsworth Publishing; 1 edition, August 14, 2013.
24. Wasko Janet, *How Hollywood Works*. Sage Publications Ltd, 2003.

